

مقابله با «یقه‌سفیدها» و دلالان ورزش به کجا رسید؟

۱۵ اردیبهشت ماه سال جاری بود که وزیر ورزش و جوانان در نامه‌ای خطاب به سید محمود علوی، وزیر اطلاعات خواستار ورود و برخورد جدی این نهاد با واسطه‌ها و دلالان غیر رسمی ورزش و به خصوص فوتبال شد.

رسوخ دلالان در بدنه ورزش ایران

دلالیسم در ورزش ایران و به ویژه در رشته فوتبال که با تبادلات مالی هفنگت روبرو است، پدیده‌ای نوظهور نبوده و از سالیان قبل به عنوان یکی از اصلی‌ترین آفت‌های ساختاری در ورزش کشور به ویژه حوزه قهرمانی آن مطرح است و کمتر موردی پیش می‌آید که زمانی با نام بازیکنان مریبان نام آور داخلی و خارجی مواجه هستیم ردپایی از واسطه گری، دلالی و سودجویی وجود نداشته باشد.

در عین حال این مساله صرفا مربوط به بازیکنان و مربیان شاخص داخلی و خارجی نیست و انعقاد قرارداد عجیب و غریب با برخی بازیکنان هستیم که از کیفیت مطلوبی برخوردار نبوده و مبلغی بسیار بیشتر از ارزش واقعی خود در ورزش ایران دریافت کرده‌اند، پول‌هایی درص‌قابل توجهی از آن نیز به جیب افراد دیگری تحت عنوان واسطه سرریز شده است.

حتی چنبره دلالان در ورزش ایران صرفا به جابجایی بازیکنان و مربیان خلاصه نمی شود، بلکه واسطه‌گری در بخش قراردادهای مالی با باشگاه‌ها و چالش دیگری است که نیازمند ورود دستگاه های بازرسی و نظارتی بوده و باید از حیف و میل کردن پول هایی که به جیب این دست از افراد سرریز می شود جلوگیری کرد، مقوله‌ای که طی سالیان گذشته ورزش کشور با برخورد با آن آچمز شده و پول هایی ایفاي نقش می‌کنند هرگز به صورت جدی با آن برخورد نشده است.

درخواست وزارت ورزش از وزارت اطلاعات

در متن نامه وزیر ورزش و جوانان به وزیر اطلاعات آمده بود: “از آنجا که مدتی است عوامل نامشخص و غیر رسمی تحت عنوان واسطه و انتقال ورزشکاران خارجی به کشور روابط ناسالمی را ایجاد کرده و موجب بروز مشکلات زیاد و فعالیت غیر قانونی و عوارض حقوقی و مالی برای باشگاه‌های مختلف ورزشی و به ویژه فوتبال



شده اند، از جنابعالی و مجموعه خدوم و پرتلاش وزارت اطلاعات درخواست می‌نمایم مانند همیشه یاور مردم و ورزش کشور بوده و دستورات لازم را به عوامل ذی‌ربط صادر نماید تا سریعاً با اقدامات غیر قانونی و بحران آفرین دلالان در ورزش (به ویژه رشته فوتبال) که موجب خدشه به اعتبار و پیکره ورزش کشور شده است برخورد لازم و قانونی صورت گیرد و ریشه اینکار خشکانده شود و بدیهی است تمامی بخش ها و مدیریت های این وزارتخانه و باشگاه‌های ورزشی موظف به همکاری با مجموعه ذی‌ربط وزرات اطلاعات به منظور سالم سازی و مقابله موثر با پدیده دلال ها در ورزش و بخصوص فوتبال کشور هستند”.

در این بین اما دلالی در ورزش به عنوان یک فعالیت درآمدزا و به ظاهر موجه، پیش رفته است و یقه سفیدها در این حوزه افرادی هستند که در طبقه پایین جامعه قرار نداشته و با احترام صوری، پوششی مناسب و گران‌بها به گونه‌ای عمل می‌کنند که مردم به آن‌ها گمان بد نبوده و این‌گونه به چپاول و پول‌شویی مبادرت می‌کنند، افرادی که به طور حتم برخی از آن ها با عوامل و مسئولان تیم ها و باشگاه های ورزشی روابط پنهان دارند.

معاون وزیر ورزش؛ از وزارت اطلاعات

پرسید:

به تازگی و پس از گذشت ۹ ماه، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت ورزش



و جوانان به تازگی در نشست خبری در پاسخ به سوال ایسنا، مبنی بر این که درخواست وزیر ورزش از وزیر اطلاعات در رابطه ورود و برخورد جدی این نهاد با واسطه‌ها و دلالان غیر رسمی ورزش و به خصوص فوتبال، به کجا رسید و آیا صرفا به همان یک یا دو مورد بازداشت و آزاد شدن، خلاصه شد؟ تصریح کرد: این موضوع مربوط به فساد در ورزش و همه رشته‌ها بود و بخشی از این اقدامات رسانه‌ای شد و بخشی نیز اقدامات پنهان بودا بهتر است از دوستان وزارت اطلاعات در این رابطه سوال پرسید که فعالیت‌ها چگونه بوده است.

در این گزارش اما سعی داریم چند پرسش را در برخورد با واسطه‌ها و دلالان غیر رسمی ورزش مطرح کنیم:

– واسطه ها در فوتبال روز دنیا به صورت رسمی و قانونی فعالیت خود را دنبال می‌کنند و صورت‌های مالی در این خصوص شفاف است و خبری از پولشویی نیست، بنابراین چرا یک‌بار برای همیشه تکلیف ورزش ایران با مقوله واسطه‌گری مشخص نمی شود؟

– چرا همواره شاهد برخوردهای موردی، مقطع و غیراثراگذار با این آفت مالی ورزش کشور هستیم و به صورت اساسی با مافیای دلالی در ورزش ایران برخورد نمی شود تا ریشه آن خشکانده شود؟

پیش از این یکبار در دولت محمود احمدی‌نژاد شاهد بودیم که با دخالت‌های صورت

گرفته برخی از دلالان فوتبالی دستگیر شدند و مدتی هم در بازداشت به سر بردند، هرچند که در نهایت از سرنوشت پرونده‌ها و احکام صادر شده خبری نشد. طی این چند سال و به ویژه ۹ ماه اخیر نیز، خبری از برخورد با پدیده دلالان، واسطه ها و بخشی از افراد که به طور حتم در بدنه باشگاه ها و تیم های ورزشی مشغول به فعالیت هستند، نشده و این سوال مطرح است که آیا باز هم شاهد پاسکاری با دولت بعدی هستیم یا قبل از پایان دولت دوازدهم اقدامات ویژه‌ای در رابطه با مقوله واسطه گری و دلالی غیر رسمی ورزش خواهیم دید؟

– با توجه به اظهارات معاون وزیر ورزش مبنی بر اینکه بخشی از این اقدامات رسانه‌ای شده و بخشی نیز اقدامات پنهان بود، این سوال مطرح است که آیا اقدامات صورت گرفته به همان یکی دو مورد بازداشت و آزاد شدن خلاصه شده است؟ در عین حال بهتر نیست که در این حوزه به طور شفاف، آشکار و بی پروا عمل کرد؟

– اگر دلالیسم را طی سال های اخیر به عنوان یک مفضل جدایی ناپذیر از ورزش ایران تلقی کنیم، باید در ابتدای امر بپذیریم که ارکان قضایی، انضباطی و اخلاقی دارای وظایفی در این رابطه هستند، اما عملکرد این مراجع در برخورد با واسطه‌ها و دلالان غیر رسمی ورزش چه بوده است؟

– به طور مثال علی رغم ممنوعیت ورود بازیکنان و مربیان خارجی به فوتبال ایران، رد پای دلالان در قراردادهای لیگ بیستم فوتبال ایران با دو تا سه برابر شدن مبلغ قرارداده‌ها به وضوح مشخص است! بنابراین با محدود شدن نقل و انتقالات به بازیکنان و مربیان داخلی، چه اقداماتی در رابطه با این افزایش چند برابری قرارداده‌ها صورت گرفته است؟

– پس از درخواست وزارت ورزش و جوانان از وزارت اطلاعات در مورد برخورد با پدیده دالیسم در ورزش کشور به ویژه رشته فوتبال که حدود ۹ ماه از آن می‌گذرد، اما مسیر اقدامات صورت گرفته شفاف نیست و نه تنها با واکنش رسمی از سوی وزارت اطلاعات همراه نشده، بلکه مشخص نیست در این خصوص قرار است چه فعالیت‌هایی از سوی مجموعه های وزارت ورزش و جوانان و وزارت اطلاعات مدنظر قرار گیرد.

علی کفاشیان برای چه کسی لابی می‌کند؟



اول رجوع کرد که این روزها جدال سختی بین علی کریمی و کیومرث هاشمی در راه رسیدن به صندلی فدراسیون فوتبال درگرفته است. از طرفی، حملات اخیر علی کریمی به علی کفاشیان هم چندان بی‌دلیل نیست و می‌تواند پرده از سؤال موجود بردارد. علی کریمی در یک هفته اخیر دو بار به‌شدت علیه کفاشیان بست گذاشته است؛ یک بار او را تهدید کرده و نوشته «دعاکن که من به صندلی ریاست نرسم، وگرنه همه شما باید جواب پس بدهید. شک نکن آقای خودکنده». مورد دوم هم در پاسخ به اظهارنظر علی کفاشیان بوده که گفته است: «علی کریمی» اگر توانست مثل ما نتیجه بگیرد، هرچه بگویند درست است». کریمی به این صحبت‌ها واکنش نشان داد و برای کفاشیان نوشت: «۱۲ سال فدراسیون دست شما بود، فقط دو صعود به جام جهانی؟! به‌جیب‌زدن حق پخش بازی‌های جام جهانی هم جزء نتیجه‌های شما حساب می‌شود؟! مطمئنا به افراد دیگر هم ۱۲ سال فرصت بدهند و بگذارند کارشان را انجام دهند، بهتر عمل می‌کنند». جدال لفظی علی کریمی با علی کفاشیان بعد از آن رو به فزونی گذاشت که شایعه شد علی کفاشیان به نفع کیومرث هاشمی وارد گود شده است و به نظر می‌رسد اظهارات جنجالی جادوگر، واکنشی سریع به شایعات مطرح‌شده باشد. با کنار هم چیدن این موارد می‌توان به موضوع اصلی رسید؛ اینکه علی کفاشیان و کیومرث هاشمی سابقه همکاری با یکدیگر را داشته‌اند. پیش‌تر و زمانی که کیومرث هاشمی رئیس کمیته المپیک بود، علی کفاشیان عضوی از هیئت اجرایی کمیته بود و ارتباط تقریبا خوبی با هم داشتند.

پس برای نتیجه‌گیری می‌توان به این موضوع رسید که اگر شایعه زنگ‌زدن کفاشیان به رؤسای هیئت‌ها برای لابی به نفع کاندیدای خاص صحت داشته باشد، آن کاندیدا، احتمالا کیومرث هاشمی است که می‌خواهد از تمام ظرفیت‌های موجود برای رسیدن به ساختمان فدراسیون فوتبال استفاده کند.

خصوصی سازی های بنگاه‌های اقتصادی و کارخانه‌جات صنعتی مقایسه می‌کنند که سرانجام خوبی نداشتند و اینک به یک بنگاه اقتصادی- تجاری ورشکسته و بی فایده تبدیل شده‌اند، نیشکر هفت تپه و فولاد بزرگ المهدی بهترین مثال برای این موضوع اسفناک است. به هرحال ما خطرات خوبی از خصوصی سازی در فوتبال هم نداریم و تیم‌هایی که با شرایط خصوصی غیر دولتی به فوتبال ایران گام نهاندن سرانجامی بد و ناراحت کننده داشتند از بهمن چند سال پیش تا راه آهنی که همین دو سه فصل پیش به بخش خصوصی واگذار شد دیگر نشانی نمی‌بینیم.

وامیدواریم دست اندرکاران وزارت ورزش و سازمان خصوصی سازی با دقت نظر و درس گرفتن از گذشته و سرنوشت تیم‌های مختلف که اینک اسمی و نامی از آن‌ها نموده کار خصوصی سازی در دو تیم پرهودار و پرافتخار را به بهترین شکل ممکن و با امد‌های کاررست و امین انجام دهند چون این دو تیم دلخوشی میلیون‌ها هوادار عاشق هستند بازی با سرنوشت تیم‌هایی که عشق میلیون‌ها انسان پشت آن قرار دارد عاقبت خوبی نخواهد داشت.

اخبار

حال خوب سپاهان؛ از نویدکیا تا محرم

از آخرین قهرمانی سپاهانی‌ها در لیگ برتر فوتبال شش هفت سالی می‌گذرد و در طول این سال‌ها سپاهانی‌ها مثل همیشه به دنبال مربیانی بودند که یا رزومه بسیار خوبی داشتند یا اینکه فرمان فصل قبل این رقابت‌ها بودند، از ویسی که قهرمان لیگ برتر با استقلال خوزستان شد تا استیماچ، از زلاتکو کرناچار تا امیر قلعه‌نویی؛ در طول این سال‌ها فقط امیدوار ی به بازگشت سپاهان به روزهای خوش وجود داشت و در عمل اتفاقی نه با ویسی و نه با استیماچ رخ نمی‌داد، حتی امیر قلعه‌نویی هم نتوانست زردپوشان اصفهانی را به روزهای خوشان بازگرداند. روزهایی که در قهرمانی هت‌تریک می‌کردند و در بین تماشاگران‌شان به محبوبیت کاملی دست یافته بودند اما با استراتژی که اصفهانی‌ها داشتند سپاهان روز به روز از آن روزها دورتر شد تا جایی که در کارنامه این تیم چهاردهمی جدول رده‌بندی رقابت‌ها هم ثبت شد که بدترین نتایج در دوران حضور سپاهان بود.

آخرین باری که سپاهان قهرمان شد در سال ۹۴-۹۳ بود که بعد از آن سپاهانی‌ها مدت کوتاهی تیمشان را به نویدکیا سپردند اما بر اساس همان استراتژی اصفهانی‌ها، نویدکیا خیلی زود نیمکت سپاهان را تحویل داد تا روزهای ناامیدکننده سپاهان آغاز شود. روزهایی که در طی ۷ سال سپاهان بهترین عنوانی که توانست در لیگ برتر کسب کند دومی در سال ۹۸-۹۷ بود و همانطور که گفته شد چهاردهمی رقابت‌ها را هم تجربه کرد. بعد از یک دوره نسبتا طولانی و ناامیدکننده و گذر اصفهانی‌ها از نویدکیا و بخصوص گذر از تکرار استراتژی قدیمی‌شان، حالا سپاهانی‌ها تغییر رویه داده‌اند و در فصلی که فوتبال خیلی چنگی به دل نمی‌زند، تیمشان را به محرم سپرده‌اند و ظاهرا از او حمایت هم می‌کنند. حالا روی نیمکت سپاهان مربیان جوانی مثل نویدکیا، رحمان احمدی و … دیده می‌شوند که توانسته‌اند تا اینجا لیگ که نزدیک نیم‌فصل هستیم، حداقل بهتر از چند سال گذشته، عملکرد داشته باشند. البته که این شرایط باز هم برای سپاهانی‌ها ایده‌آل نیست اما سپاهان با دوری از هزینه‌های همیشگی و اعتماد به داشته‌های تیمش، امروز بعد از برگزاری ۱۴ بازی با ۷ برد، ۴ تساوی و ۳ باخت، ۲۳ گل زده، ۱۸ گل خورده و با کسب ۲۵ امتیاز در رده دوم جدول رده‌بندی لیگ برتر قرار دارد و امیدوار است تا پایان نیم‌فصل بتواند خود را به صدر جدول هم برساند.

به طور حتم کار برای نویدکیا و همراهانش سخت خواهد بود، مدعیانی مثل پرسپولیس، استقلال و … این کار را سخت‌تر هم خواهند کرد و شاید سپاهان در این فصل هم نتواند تمام انتظارات اصفهانی‌ها را برآورده کند اما روند سپاهان نشان می‌دهد که این تیم ظاهرا در مسیر درست حرکت می‌کند و با حمایت هوادارانش و بخصوص مسئولان این تیم از ادامه این روند، می‌توان امیدوار بود که سپاهان خیلی زود به روزهای خوش بازگردد.

شاگردان محرم نویدکیا مثل سروش رفیعی، محمدرضا خلعتچی، شهباززاده، محبی، کی‌روش استیلی و … قطعاً تجربیات خوبی از حضور در ترکیب سپاهان در سال‌های گذشته دارند و می‌توانند به محرم برای برگرداندن سپاهان به مسیر بهتر کمک کنند.
آنطور که شنیده می‌شود این امیدواری در بین مسئولان سپاهان هم به وجود آمده و در تلاش هستند با تقویت تیم محرم و بازگذاشتن دست او برای ادامه بازی‌ها، کمک حال او در هفته‌های باقی‌مانده باشند. به طور کلی ظاهرا همه چیز برای سپاهان مهیا است تا بتواند روزهای ناآکمی را از سر فراموشی سپارد و با حضور محرم بعد از چند سال دوباره در لیگ برتر خودی نشان دهد و شاید قهرمانی در این فصل هم برای زردپوشان اصفهانی دور از انتظار نباشد.
قرار است که این تیم در نیم‌فصل و در فرصت جذب بازیکنان جدید، تقویت شود و این فرصت خوبی برای نیمکت سپاهان و محرم نویدکیا خواهد بود که کمبودهای‌شان را جبران کنند تا بازی‌های باقی‌مانده را بهتر از هفته‌های گذشته سپری کنند.

کارچاق کنی به جای درآمدزایی

سال‌ها است که نحوه فعالیت اعضای هیأت مدیره در باشگاه استقلال به معیابی بزرگ تبدیل شده و مشخص نمی‌شود که چرا برخی اعضا به باشگاه پول قرض می‌دهند؟ شاید چنین اقدامی از نگاه برخی هواداران جذاب باشد و منجر به افزایش هواخواهان افرادی شود که با این نیت قدم به هیأت مدیره می‌گذارند اما به واقع چنین اقداماتی از سوی برخی اعضای هیأت مدیره -که یقیناً با چراغ سبز وزارت ورزش هم هست- نشان می‌دهد که باشگاه به بن‌بست‌های اقتصادی خورده و عالی‌ترین تصمیم‌گیرانش در بخش مدیریتی نیز قادر به برطرف کردن موانع مالی نیستند و در واقع با باشگاهی کاملاً ورشکسته مواجه‌ایم.

پیش‌تر نیز افرادی همچون شفیق‌زاده، انصاری، سبک دست و بسیاری دیگر با همین پوزیشن در باشگاه استقلال ظاهر و بعد از اندک زمانی نیز از نظرها پنهان شدند.

طعنه‌آمیز است که این افراد همگی پیش از ورود به دایره مدیریتی باشگاه‌ها از درآمدزایی و ایجاد تیم‌های اقتصادی صحبت به میان می‌آورند اما در عمل شاهد بودیم که جز در مواردی تأمین اعتبارات با کمک تبلیغات محیطی، راه دیگری برای کسب درآمد ایجاد نمی‌کردند و همه وعده‌های‌شان در حد حرف باقی می‌ماند.

در این سال‌ها هیچ گاه همین اعضای به ظاهر اقتصادی و کاربلد حتی نتوانسته حق کبی رایت را به اجرا بگذارند و در مواجهه با این مورد مهم و ضروری موضع منفعلانه در پیش گرفته‌اند. درآمدزایی از طرق دیگر نیز هیچ گاه جدی گرفته نشده است. نه از کنار بلیت فروشی، نه فروش پیراهن و نه اقدامات تبلیغاتی گسترده. اسفبار اینکه این افراد حتی نتوانسته‌اند در سال‌های اخیر ورزشگاه‌هایی که در اختیار این باشگاه قرار دارد درمیاندار نگاه ناصر حجازی را که وزارت ورزش نیز رسماً اعلام کرد به جرگه فعال این باشگاه افزوده شده برای ترمینات یک فصل مهیا کنند و زمین آنها را مورد مرمت و بازسازی قرار دهند؛ ورزشگاهی که ظرفیت درآمدزایی از طرق گوناگون را دارد و می‌تواند یک محیط پولساز باشد. متشی اعضای هیأت مدیره استقلال در عمل با آنچه در بدو ورود به دایره مدیریت بیان می‌کنند در تضاد است و خود را تا سطح افرادی که بیشتر اقدام به کارچاق کنی می‌کنند، تنزل می‌دهند و انگار هیچ توجهی به عملکرد این افراد از سوی بالادستی‌ها هم نیست و آنها خود را با هر سطح عملکرد از ارزیابی مصون می‌دانند.

مهدی عبدیان که اخیراً خبر دریافت پول‌های قرض داده شده از سوی اعضای هیأت مدیره را تکذیب کرده، خود یکی از جمله همین افراد است که در بدو ورود به باشگاه استقلال با جملاتی پرطمطراق وعده درآمدزایی داده بود. عبدیان در تاریخ ۱۳ تیرماه سال جاری مصاحبه‌ای انجام داده که در آن عینا به درآمدزا بودن اعضای هیأت مدیره اشاره کرده است. او در بخشی از مصاحبه بلند بالای خود چنین گفته است: «استقلال ۵ عضو هیأت مدیره اقتصادی می‌خواهد که درآمد کسب کنند. هیأت مدیره باید توان این را داشته باشد که اگر روزی باشگاه دچار مشکل شد از جیب خود خرج کند و مدتی بعد آن پول را دریافت کند.» گرچه امروز اعتراض‌های گسترده بازیکنان و مربیان سطح عملکرد عبدیان و همکارانش را به وضوح نمایان می‌کند اما از عضو ات مدیره استقلال باید پرسید که آیا اجازه برند باشگاه درآمدزایی است و صرفا عقد قرارداد با یکی دو شرکت تبلیغاتی می‌تواند پاسخگوی نیازهای امروز باشگاه استقلال باشد؟ از عبدیان که در امور نقل و انتقالاتی استقلال هم دخالت دارد باید سؤال‌های مهم‌تری را هم پرسید. شما به جز خرید بازیکنی که در لیست مازاد پرسپولیس قرار داشت چه کار مثنیی برای این باشگاه انجام دادید؟ آیا برای آینده استقلال اقدامی شده است؟ استقلال در آینده می‌تواند به کدام یک از دستاوردهای سخت‌افزاری شما دلخوش باشد؟

آشتی عربستان و قطر؛ فوتبال ایران تنها شد؟

یاسر المشعل، رئیس فدراسیون فوتبال عربستان ، در جریان سفر هیات فدراسیون این کشور به قطر و جلسه با مسئولان فدراسیون فوتبال، در مورد راه های همکاری بین فدراسیون عربستان و همتای قطری خود به بحث پرداختند. در این جلسه، المشعل با شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، رئیس فدراسیون قطر، در مورد موضوعات مشترک و راه های توسعه همکاری بین فدراسیون ها در زمینه های ورزشی گفتگو کرد.

نکته جالب درباره این قرار اینکۀ کلیه مسئولان عالی رتبه فوتبال عربستان در آن حضور یافتند و به همین دلیل می توان به جدیت کامل این کشور در ارتباط دوباره فوتبالی با قطری ها پی برد. عربستانی ها برای این دعوت از نام های سرسری و کم اهمیت در فدراسیون فوتبال خود استفاده نکردند و با حساسیت بالا سعی در نهایت استفاده از این جلسه، مهم ترین نفرات خود را راهی این سفر کردند. هیات عربستانی حاضر در این جلسه شامل یاسر المشعل (رئیس فدراسیون) احمد عید (رئیس سابق فدراسیون) خالد التوبیتی (نایب رئیس فدراسیون) و ابراهیم القاسم (دبیرکل فدراسیون) بود.

هیات عربستانی حاضر در این جلسه مدعی شدند این سفر با درخواست همتای قطری آنها صورت گرفته و آنها برای دیدن دیدار دو تیم الاهلی مصر و بایرن مونیخ در مرحله نیمه نهایی جام باشگاه های جهان به این دعوت پاسخ مثبت دادند و راهی دوحه شدند!

نکته ای که در این مطلب می توان به آن پرداخت شرایط جدید در فوتبال آسیاست، اتفاقی که پس از به کدورت کشیده شدن رابطه سیاسی و دیپلماتیک دو کشور عربستان و قطر باعث تعریف موضوعاتی جدید در فوتبال آسیا شده بود و به این ترتیب امیدواریم از این جلسه که قطعاً توافق و تفاهم بیشتری میان فوتبال عربستان و قطر به همراه خواهد داشت، آسیب کمتری به فوتبال ایران وارد شود.

سال هاست فوتبال ایران به دلایل دستمالی شده و کلیشه ای همچون کرسی نداشتن در کنفدراسیون فوتبال آسیا پس از تصمیم گیری هایی می شد که برخی از آنها علیه فوتبال ایران بود اما در دو سه سال اخیر و به دلیل نزدیک شدن قطری ها به ایران در برخی تصمیم گیری ها اتفاقات بهتری برای فوتبال ایران به وجود می آمد. اتفاقاتی که هم از نظر مالی و هم از نظر شرایط برای ما بهتر از همیشه بود و امیدواریم که طبق گفته یاسر المشعل (این جلسه به گونه ای طراحی شده که منافع مشترک دو کشور را تأمین کند)، منجر به تغییر اوضاع برای فوتبال ایران نشود.

مسئولان عالیرتبه فدراسیون فوتبال عربستان و قطر در پایان این جلسه لباس هایی به یکدیگر هدیه دادند. لباس های تیم ملی عربستان با شماره جام جهانی ۲۰۲۲ و با نام مسئولان قطری و در سوی دیگر لباس های تیم ملی قطر با شماره ۲۰۲۲ و با نام مسئولان عربستانی.

در سال های که میان قطر و عربستان اختلاف سیاسی ایجاد شده بود، فوتبال ایران به خوبی از امکانات اسپانر قطر استفاده کرد ولی حالا نزدیک دوباره قطر و عربستان به معنی پایان همکاری قطر با فوتبال ایران خواهد بود. تیم های قطری و عربستانی دنبال میزبانی لیگ قهرمانی آسیا هستند و برای این که نماینده های این دو کشور بدون مشکل به مصاف هم بروند از همین حالا هماهنگی های لازم میان دو کشور عربستان و قطر آغاز شده است.